



درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۷ / اردیبهشت / ۱۳۹۹

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

مصادف با: ۲۲ رمضان ۱۴۴۱

موضوع جزئی: موانع محتوایی اعتبار - مانع چهارم: مذمت زنان در نهج البلاغه

جلسه: ۳۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

آخرین مانع محتوایی اعتبار نهج البلاغه که فی نفسه نیز به عنوان یکی از معضلات و شبهات درباره نهج البلاغه مطرح شده و اذهان بسیاری را به خودش مشغول کرده و البته پاسخ‌های گوناگونی به آن داده شده است این است که در مواضع متعددی از نهج البلاغه حضرت علی (علیه السلام) زنان را مذمت کرده است. این قضیه در چند مورد در نهج البلاغه به مناسبت‌های مختلف مطرح شده است. مواردی در نهج البلاغه نقل شده که بر اساس آن حضرت علی (علیه السلام) مطالبی را در مورد زنان مطرح کردند که به هر حال مخصوصاً در دوران معاصر پذیرش آن‌ها بسیار مشکل است، از مجموع خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌ها حداقل شش مورد را می‌توانیم ذکر کنیم.

مورد اول: قبل از آغاز جنگ جمل حضرت علی علیه السلام حضرت در خطبه ۱۵۳ نهج البلاغه هنگامی که به سوی بصره برای مقابله با اهل جمل می‌رفتند می‌فرمایند: «إِنَّ الْبَهَائِمَ هَمُّهَا بَطُونُهَا؛ وَإِنَّ السَّبَّاعَ هَمُّهَا الْعُدْوَانُ عَلَى غَيْرِهَا؛ وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا»؛

حیوانات و چهارپایان همه همشان معطوف شکم‌هایشان است، درندگان همشان در عداوت و دشمنی با دیگران است و همت زنان معطوف به زینت زندگی و فساد در آن است. «وَإِنَّ النِّسَاءَ هَمُّهُنَّ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْفَسَادُ فِيهَا» این خیلی تعبیر عجیبی است که زنان را فقط به فکر زینت زندگی و فساد در حیات دنیا معرفی کرده‌اند.

مورد دوم: حضرت در خطبه ۷۹ نهج البلاغه در بصره بعد از جنگ جمل حضرت علی (علیه السلام) طی خطبه‌ای این بار شدیدتر از خطبه قبلی نسبت به زنان می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْحُطُوظِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَفَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ وَأَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ وَأَمَّا نَقْصَانُ حُطُوظِهِنَّ فَمَوَارِيثُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ»؛

ای مردم، زنان از جهت ایمان ناقصند، از جهت بهره اقتصادی کاستی دارند، از نظر عقل هم دچار نقصان هستند، اما کاستی و نقص ایمان آنان به این دلیل است که در ایام عادت از نماز و روزه باز می‌مانند، اما نقص عقل آنها از این جهت است که شهادت دو نفر از آنها به اندازه شهادت یک مرد دانسته شده است و اما نقص آن‌ها در فایده اقتصادی و بهره اقتصادی به این جهت است که سهم

ارث آنها نصف سهم مردان است. پس از سه جهت می‌فرماید این‌ها نقصان دارند، بعد نتیجه می‌گیرند، وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذْرٍ وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّىٰ لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ، حال که زنان این سه نقص عمده را دارند پس از بدان آنان پرهیزید و از نیکان آنان بر حذر باشید و مراقب باشید و در اعمال خیر بی‌قید و شرط از آنها اطاعت نکنید تا در اعمال بد خویش از شما انتظار پیروی نداشته باشند.

حضرت دیگر هر آنچه که ممکن بود و می‌توان تصور کرد در مورد زنان فرموده است. اینکه ایمانشان ناقص است، از نظر عقلی کمبود دارند، از نظر اقتصادی کاستی دارند، اینکه از بدان آنها باید پرهیز کرد و از خوبانشان بر حذر باشید، اینکه در اعمال نیک از آنان اطاعت نکنید.

مورد سوم: در نامه ۳۱ نهج البلاغه در وصیت نامه‌ای به امام مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَمُشَاوَرَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّ رَأْيَهُنَّ إِلَىٰ أَفْنٍ وَعَزْمُهُنَّ إِلَىٰ وَهْنٍ وَكَفْفٌ عَلَيْهِنَّ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ إِيَّاهُنَّ فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَىٰ عَلَيْهِنَّ وَ لَيْسَ خُرُوجُهُنَّ بِأَشَدَّ مِنْ إِدْخَالِكَ مَنْ لَا يُؤْتَقُ بِهِ عَلَيْهِنَّ وَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَلَّا يَعْرِفَنَّ غَيْرَكَ فَافْعَلْ وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَلَا تَعْدُ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَلَا تُطْمَعِهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَیْبِهَا وَإِيَّاكَ وَالتَّعَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقَمِ وَالبَرِيئَةَ إِلَى الرَّيْبِ»؛

از مشورت با زنها خود داری کن زیرا فکر و رأی آنان ناتوان و اراده آنها سست و ضعیف است، آنگاه به وسیله پوشش و حجاب از دیدار نامحرم چشم آنان را بازدار، یعنی نگذار آنها به نامحرم نگاه کنند، چون سخت‌گیری حجاب بر ایشان نتیجه دائمی دارد و بیرون رفتن آنها از خانه ضررش کمتر از وارد کردن کسی که در مورد ایشان اطمینان نداری نیست. اگر می‌توانی کاری کن زنان مردان دیگر را نشناسند و زن را نسبت به آنچه که به او مربوط نیست مسلط نگردان زیرا زن همچون گیاهی است خوشبو نه انسانی قهرمان، در تکریم او از آنچه که در حد اوست عبور نکن، چه اینکه او را به طمع می‌اندازد که واسطه دیگران شود و پرهیز از غیرت ورزیدن نابجا که درست کار را به نادرستی می‌کشاند و پاکدامن را به بدگمانی می‌خواند.

در این نامه نیز چند محور مطرح شده است، اینکه از مشورت با آنها باید پرهیز شود، اینکه فکر اینها ناتوان است، اراده آنان سست و ضعیف است. این موارد غیر از آن موارد قبلی است. دو مسئله مهم در مورد اول بیان شده بود یعنی اینکه همشان زینت دنیا است و دوم اینکه همه همشان فساد در زندگی دنیا است. در مورد دوم نیز چند مورد مطرح شده بود که بیان شد، اینجا نیز چند مسئله بیان شد است، عدم مشورت با زنان، ضعف فکر و ناتوانی در اندیشه و تفکر، سستی و ضعف در اراده، اینکه کاری کند زنان اساسا مردان را نشناسند، زن مثل گیاه است نه قهرمان، عدم احترام بیش از حد. این موارد چیزهایی است که ممکن است در مورد هر کسی بگوییم اما اینکه این‌ها را بیوشانی و مخفی نگه داری از اینکه دیگران را ببینند یا اینکه بدگمانی باعث می‌شود او به کار بد تشویق شود، از مواردی است که اینجا بیان شده است

مورد چهارم: حضرت در نامه ۱۴ نهج البلاغه پیش از جنگ صفین تقریبا مطالب قبل را در ضمن توصیه‌هایی که به لشکریان خود می‌فرمود بیان کرده است: «وَلَا تَهَيِّجُوا النِّسَاءَ بِأَذَىٰ وَإِنْ شَتَمْنَ أَعْرَاضَكُمْ، وَ سَبَّيْنَ أَمْرَاءَكُمْ، فَإِنَّهُنَّ ضَعِيفَاتُ الْقُوَىٰ وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ.» مواظب باشید زنان را با اذیت و آزردهن به هیجان در نیاورید هر چند متعرض آبروی شما شوند یا به بزرگان شما ناسزا بگویند زیرا قوه و توان و جانشان ضعیف است.

این هم تقریباً همان مطالبی است که در خطبه و نامه قبلی ذکر شد، ولی اینجا حضرت می‌فرماید: **ضَعِيفَاتُ الْقُوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ** یعنی دامن ضعف را توسعه داده و می‌گوید زنان موجوداتی هستند که به زودی متعرض آبروی شما می‌شوند و زود به هیجان می‌آیند. مورد پنجم: حضرت علی (علیه السلام) در حکمت ۲۳۸ نهج البلاغه می‌فرماید: **«الْمَرْأَةُ شَرُّ كُلِّهَا وَ شَرُّ مَا فِيهَا أَنَّهُ لَا بُدَّ مِنْهَا»**؛ زن همه‌اش شر و درد سر است و بدتر آنکه چاره‌ای جز بودن با او نیز نیست.

اینجا حضرت از زنان به عنوان شر یاد می‌کند و این مطلب عجیبی است.

مورد ششم: حضرت در حکمت ۶۱ نهج البلاغه می‌فرماید: **«الْمَرْأَةُ عَقْرَبٌ، حُلُوَةُ اللَّسْبَةِ»**؛

زن عقربی است که نیش او شیرین است. اینکه حضرت زن را تشبیه به عقرب کرده است خیلی مسئله مهمی است.

این شش مورد کافی است که شبهه و اشکال و سوال را پیرامون این موضوع سامان دهد که چطور حضرت علی (علیه السلام) درباره زنان چنین توصیفاتی به کار برده است. با این مواردی که از خطبه و نامه و حکمت بیان شد چیزی حدود ۱۵ مورد حضرت علی (علیه السلام) به نوعی (یا به تندی یا با کمی تخفیف) زنان را مورد مذمت قرار داده است، این‌ها را باید چه کرد؟ آیا این‌ها واقعا از حضرت علی (علیه السلام) صادر شده است؟ اگر صادر شده است چه توجیهی می‌توانیم بیان کنیم؟ اینجا مواضع دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد، پاسخ‌هایی داده شده و حالا این را باید با تحقیق بیشتر و تفسیر مورد رسیدگی قرار دهیم.

«والحمد لله رب العالمين»